

چرا سازمان خصوصی‌سازی به هشدارها بی‌توجه است؟

28 دی 1401

زمانی که قرار شده ده درصد سهام دو تیم [استقلال](#) و [پرسپولیس](#) را در بورس به مردم بفروشند کارشناسان زیادی انتقاد کردند؛ مدیران عامل سابق سرخابی‌ها، چهره‌های ورزشی و مدیرانی نظیر محمد دادکان، داریوش مصطفوی، واعظ آشتیانی و سایرین. با این حال سازمان خصوصی‌سازی با دست فرمان «من این کار را به هر قیمتی انجام می‌دهم» جلو برد و چند صد میلیارد تومان سهام دو باشگاه را به مردم عادی فروخت.

اتفاقی که بعد از چند ماه رخ داد هرچند زیاد رسانه‌ای نشد اما دست کمی از فاجعه نداشت. چند صد میلیارد از پول مردم که به دست دو باشگاه رسید خرج خرید بازیکن و پرداخت بدهی‌ها شد و در نهایت به پایین آمدن قیمت سهام دو باشگاه انجامید. این اتفاق در حالی رخ داد که قرار بود پولی که به دو باشگاه می‌رسد خرج زیرساخت‌های دو باشگاه شود. حال در چنین شرایطی سازمان خصوصی‌سازی طبق همان تشبیهی که قبلاً انجام داده بود (همانندسازی فرآیند خصوصی‌سازی دو باشگاه به قطاری که به حرکت در می‌آید) می‌خواهد مسیر را به هر شکلی ادامه دهد.

این سازمان اعلام کرده قرار است درصد مالکیت دولت بر این دو باشگاه به 49 درصد برسد. آیا این مسیری بدون بازگشت خواهد بود؟ بلاشک همین‌طور است. به این معنا که امروز نمی‌توان به راحتی آن ده درصد فروخته‌شده را پس گرفت و پول مردم را برگرداند چه برسد به اینکه کار به 51 درصد برسد. حال سوال اصلی اینجاست که چه مقاومتی وجود دارد که باعث می‌شود راه بر هر گونه تضارب آرا بسته شود؟ چطور روسای [سازمان خصوصی‌سازی](#) و مقامات اقتصادی و ورزشی دولت چشم‌شان را به روی این همه نقد دلسوزانه می‌بندند و مسیر خود را ادامه می‌دهند؟ آیا ممکن است این همه آدمی که سال‌ها عمرشان را در این فوتبال گذاشته‌اند اشتباه کنند و کسانی که شاید یکسال از آشنایی‌شان با مستطیل سبز نمی‌گذرد درست بگویند؟ آیا ممکن است همه منتقدین اغراض سیاسی داشته باشند و کمر به سیاه‌نمایی اقدامات سازمان خصوصی‌سازی و در درجه بالاتر دولت بسته باشند؟ پاسخ این است که خیر! ممکن نیست! آنچه اما امکان دارد خودرایی‌انگیزی است که تمام قصدشان ساختن بیلان کاری و روزمه برای خودشان است. برای اینکه بگویند ما این کار را کردیم! ما در این دولت این کار را کردیم! باقی‌ش هم دیگر اهمیتی ندارد. درست مثل مدیرانی که می‌آیند و یکی، دو سال روی صندلی مدیریت باشگاه‌ها می‌نشینند و با این تفکر که ما قرار نیست پاسخ بدهیم کلی خرابکاری می‌کنند و می‌روند. طرف قراردادی می‌بندد که می‌داند از عهده تامین آن بر نمی‌آید اما دلش قرص است که زمان پس دادن پول کس دیگری قرار است پاسخگو باشد. به نظر می‌رسد فروختن سهام سرخابی‌ها هم با همین دست فرمان است.

*سامان سعادت/اعتماد